

## بررسی وضعیت محیط کسب و کار از منظر کارآفرینان صنعت

### فروآلیاژ ایران

هادی نوتاش<sup>۱</sup>، سیدهادی فرحزادی<sup>۲</sup>

#### چکیده:

بدون شک مساعد بودن محیط کسب و کار یک اقتصاد، زیربنایی کلیدی برای رشد و توسعه‌ی آن است. شناسایی نقاط مثبت و منفی محیط کسب و کار یک کشور جز با بررسی و مطالعه‌ی تجربیات و نظرات فعالان اقتصادی مقدور نیست. در این مقاله، متناسب با محورهای مورد بحث در همایش بهبود محیط کسب و کار ایران، به بررسی وضعیت محیط کسب و کار از منظر فعالان یکی از صنایع کلیدی برای توسعه صنعتی کشور پرداخته شده است. صنعت فروآلیاژ به عنوان عرضه‌کننده‌ی بخش مهمی از مواد اولیه تولید انواع فولاد و فولاد آلیاژی، برای کاربردهای مختلف صنعتی و نظامی، علاوه بر کمک به کاهش خام فروشی و ایجاد ارزش افزوده برای تولیدات معدنی کشور، عاملی کلیدی برای توسعه‌ی صنعت فولاد به شمار می‌رود. به این ترتیب، صنعت فروآلیاژ را می‌توان یکی از زیرساخت‌های حیاتی برای استقلال صنعتی کشور دانست. این تحقیق کیفی، به بررسی نقاط قوت و ضعف موجود در فضای کسب و کار ایران، از منظر کارآفرینان صنعت فروآلیاژ پرداخته و نقطه نظرات صنعت‌گران این بخش را در حوزه‌هایی همچون وضعیت متغیرهای کلان اقتصاد و تاثیر آنها بر این صنعت، مشکلات فضای رقابت موجود، ضعف‌های موجود در زیرساخت‌های مورد نیاز صنعت، مسایل و مشکلات موجود در سیاست‌ها، قوانین و مقررات مرتبط، فساد اداری موجود و لزوم کوچک سازی و در عین حال توانمندسازی دولت، مورد بررسی و تحلیل قرار

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

---

مجموعه مقالات دومین همایش ملی بهبود محیط کسب و کار

داده است. در نهایت، راه‌کارهایی برای رفع این نقایص، بر اساس نظرات ذی‌نفعان و ذی‌نفعان کلیدی این صنعت ارایه شده است.<sup>۱</sup>

**کلمات کلیدی:** محیط کسب و کار، صنعت فولاد، صنعت فروآلیاژ

---

<sup>۱</sup> تیم تحقیق بر خود لازم می‌داند از دانشگاه صنایع و معادن ایران که در گردآوری داده‌های این تحقیق حمایت و مشارکت داشته‌اند تشکر نماید.

## مقدمه:

فضای کسب و کار را می‌توان اتمسفری دانست که کسب و کارها در آن تنفس می‌نمایند. ناگفته پیداست که وضعیت این اتمسفر، و کیفیت آن تاثیر مستقیم بر کیفیت حیات و بالندگی بنگاه‌ها خواهد داشت. از این جهت مطالعه و بررسی وضعیت محیط برای شناسایی عوامل مثبت یا منفی که می‌تواند محیط کسب و کار را برای بنگاه‌های فعال مملو از فرصت‌ها و یا تهدیدها نماید پر اهمیت جلوه می‌نماید.

اهمیت چنین پژوهش‌هایی، در مورد صنایع حساس و کلیدی همچون صنعت فولاد و صنایع مرتبط با آن دو چندان خواهد بود. صناعی همچون صنعت فولاد که اثر مستقیم بر تولید انواع فولاد دارد. در ادامه مطالب مختصری برای درک اهمیت صنعت فولاد و ارتباط آن با صنعت فولاد آرایه می‌شود.

با توجه به اهمیت صنعت فولاد و برنامه‌های افزایش تولید آن در کشور فولادها به عنوان یکی از مهم‌ترین مواد اولیه تولید فولاد اهمیت بالایی خواهند داشت. از این رو، برنامه‌ریزی دقیق برای حرکت به سوی خوداتکایی در حوزه تولید فولاد و دستیابی به اهداف این صنعت در افق ۱۴۰۴، نیازمند توجه ویژه به صنعت فولاد در ایران می‌باشد. از سوی دیگر صنعت فولاد آرایه تامین کننده بخشی اساسی از مواد اولیه صناعی همچون ریخته‌گری، خودروسازی، هوافضا، کشتی سازی، صنایع نظامی نیز به شمار می‌رود. این مهم در کنار مزیت نسبی تولید برخی از انواع فولادها به جهت بهره‌مندی کشور از منابع انسانی متخصص، منابع معدنی و انرژی لازم، این اهمیت را دو چندان می‌کند (ملایی داریانی، ۱۳۹۳)

بر این اساس، اهمیت توسعه‌ی جدی صنعت فولاد در ایران خود نمایی می‌کند. رشد این صنعت همانند سایر صنایع به شدت تحت تاثیر محیط و زمینه‌ای است که در آن تنفس می‌کند. تمرکز بر تحلیل وضعیت محیط کسب و کار برای بنگاه‌های فعال در این صنعت می‌تواند اهمیت به‌سزایی در طرح‌ریزی سیاست‌های دقیق‌تر و بالنده‌تر برای بهبود فضای کسب و کار این صنعت داشته باشد. شناسایی نقاط قوت و نقاط ضعف محیط کسب و کار کمک خواهد کرد تا علاوه بر آگاهی بخشی به فعالان این صنعت برای طرح‌ریزی اقدامات متناسب به محیط، سیاست‌گذاران و متولیان حاکمیتی

فضای کسب و کار اقدامات موثرتری در راستای بهبود کلیدی‌ترین نقاط ضعف در این حوزه سامان دهند.

پژوهش حاضر تلاش نموده است تا از دیدگاه فعالان و کارآفرینان صنعت فروآلیاژ ایران، محیط کسب و کار این صنعت را تحلیل نموده و علاوه بر ارایه توصیفی از وضعیت جاری آن، راه‌کارهایی برای بهبود شرایط آن ارایه نماید.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش:

#### - محیط کسب و کار

کسب و کارها همانند بسیاری دیگر از پدیده‌ها در یک موقعیت و زمینه معنا می‌یابند. غنی یا ضعیف بودن زمینه‌ای که کسب و کارها در آن فعالیت می‌نمایند و یا پایداری و ناپایداری آن را می‌توان به عنوان عاملی تعیین کننده در موفقیت و عدم موفقیت بنگاه‌ها مورد بررسی قرار داد. به همین جهت محیط کسب و کار نه تنها در کانون توجه مدیران بنگاه‌ها قرار دارد، بلکه متولیان و سیاست‌گذاران اقتصاد کلان نیز توجه جدی به محیط کسب و کار دارند.

محیط کسب و کار، زمینه‌ای است که بنگاه منابع مورد نیاز خود را از آن تقاضا و تامین کرده و تولیدات خود را نیز به آن عرضه می‌کند. و همین عرضه و تقاضا در کلیت محیط بازار و تعادل بازار را رقم می‌زند. در تعریفی دیگر فضای کسب و کار به مثابه محیط سیاستی، نهادی و رفتاری‌ای توصیف می‌شود که بازدهی مخاطرات مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها را تحت تأثیر مستقیم خود دارد (Stern, 2002). محیط کسب و کار از طریق عواملی که فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه‌ها عمل می‌کنند، عملکرد واحدهای اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (میدری، احمد و قودجانی، ۱۳۸۷).

تجربیات کشورهای مختلف بر این مهم صحه گذارده است که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ی شکوفایی اقتصادی و آبادانی کشورها و رفاه ساکنان آنها، منابع ملموس و طبیعی نیستند. بسیاری از کشورهایی که به لحاظ اقتصادی در وضعیت نسبتاً مناسب‌تر و پایدارتری به سر می‌برند، از جمله سوئیس، ژاپن و هلند بهره‌مندی چندانی از منابع طبیعی ندارند. این در حال است که بسیاری از

کشورهای درحال توسعه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، باوجود دسترسی گسترده به منابع طبیعی، عملکرد اقتصادی قوی نداشته و کیفیت زندگی مردم در این کشورها بالا نیست (خضری، ۱۳۸۹). پژوهش‌ها و همچنین تجربیات در کشورهای پیشرفته نشان داده است که توسعه و رفاه به شدت تحت تاثیر ساختار انگیزشی و کیفیت نهادهای هدایت کننده فعالیت‌های اقتصادی هستند (Brunner, 1985).

بنابراین، بهبود فضای کسب و کار با تاثیر مستقیمی که بر کاهش فقر و بیکاری دارد (World Bank, 2005)، برای سیاستمداران به خصوص در کشورهای در حال توسعه اهمیت ویژه‌ای دارد. این اهمیت با فشارهای فزاینده‌ای که اقتصادها در فرایند جهانی شدن با آن روبرو هستند، بیش از پیش خودنمایی می‌کند (منوریان، ایوبی اردکان، ایروانی، و زندی منش، ۱۳۹۲). نتایج سایر تحقیقات و مطالعات داخلی و خارجی، شاخص‌های اقتصادی نظیر سهم اشتغال غیررسمی و اقتصاد زیرزمینی که بعضاً تا 50 درصد کل اقتصاد تخمین زده می‌شود، حجم پایین سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، نرخ‌های تورم و بیکاری دورقمی، واردات گسترده، سهم اندک درآمدهای مالیاتی از کل تولید ناخالص داخلی و... همگی نشان دهنده نامناسب بودن محیط کسب و کار در کشور هستند.

بر همین مبنا، اندیشمندان متعددی نقش دولت‌ها را مقررات‌زدایی و تسهیل‌گری برای ارتقای رقابت‌پذیری بخش خصوصی و بنگاه‌های اقتصادی، تعریف می‌کنند (Osborn, 1992). این اندیشمندان بر اساس همین نظریات، اقتصاد دولتی و سیطره بیش از حد دولت بر فعالیت‌های اقتصادی را ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی تشخیص می‌دهند و گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار را راه خروج از این وضعیت معرفی می‌کنند. این گذار را می‌توان با اجرای توصیه‌های سیاستی مبتنی بر واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، و در نتیجه کاستن از دامنه مداخله دولت در اقتصاد و بخش خصوصی پی‌گیری نمود.

با این وجود، بسیاری از صاحب نظران اقتصادی، از جمله جوزف استیگلیتز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)، راهبرد خصوصی‌سازی برای گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار و تقویت بخش خصوصی را کافی قلمداد نمی‌کنند و بر این نکته تاکید دارند که پیش از واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی لازم

<sup>1</sup> Stiglitz

است تا موانع توسعه بخش خصوصی برطرف گردد تا فضای رقابت در هر دو بخش خصوصی و دولتی تقویت شود. به عبارت دیگر، بهبود محیط کسب و کار پیش‌نیازی حیاتی برای موفقیت-آمیز بودن گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار است (منوریان و همکاران، 1392) برای مثال اگر در اقتصادی سهولت تولید وجود نداشته و قوانین مربوط به آن نامناسب باشند، بخش خصوصی به سوی اقتصاد زیرزمینی و فساد پیش خواهد رفت (مکیان، امامی میبدی، عشرتی، و احمدی، ۱۳۹۲).

در مطالعاتی که پیرامون کشور ما انجام شده است، همواره تاکید جدی بر بررسی علل ضعف اقتصاد ملی یا شناسایی راه چگونگی دست‌یابی به پیشرفت بوده است و به همین سبب مشکلات ساختاری اقتصاد و نامساعد بودن شرایط تولید در مرکز توجه بوده است، اما تبیین دقیقی از ماهیت این مشکلات ساختاری و شرایط نامناسب و نیز چگونگی بهبود آنها ارایه نشده است (تاری و علوی منش، ۱۳۹۰).

امروزه موسسات بین‌المللی متعددی به اهمیت محیط کسب و کار تاکید نموده و تلاش می‌نمایند تا با تعریف شاخص‌هایی وضعیت محیط کسب و کار را در اقتصادهای جهان مورد ارزیابی قرار دهند. برای مثال سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه محیط کسب و کار مناسب را برای شکوفایی اقتصادی کشورها و توانمندسازی مردم در برابر فقر و بیکاری پر اهمیت می‌داند (OECD, 2006). بانک جهانی نیز در شاخص سهولت کسب و کار با استفاده از شاخص‌های ده‌گانه محیط کسب و کار کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد. این شاخص‌ها عبارتند از: سهولت آغاز یک کسب و کار (فرایند ثبت شرکت)، اخذ مجوزها، استخدام و اخراج نیروی کار، ثبت مالکیت، تامین اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، اجرای قراردادهای، و انحلال کسب و کار.

با تکیه بر همین مبانی، اقتصاددانان و متولیان اقتصاد امروز ایران نیز «بهبود محیط کسب و کار» را به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین راهبرد مبارزه با فقر و افزایش رشد اقتصادی پذیرفته‌اند و برای آن تلاش می‌کنند. در واقع، نوعی اجماع در مورد تاثیر جدی بهبود فضای کسب و کار بر فقر و بیکاری، رشد اقتصادی اندک و سطح اندک فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه برای گذار از اقتصاد دولتی به

اقتصاد بازار و تقویت بخش خصوصی، میان کارشناسان، سیاستمداران و سیاستگذاران وجود دارد (منوریان و همکاران، 1392).

### صنعت فروآلیاژ به عنوان بخشی کلیدی از صنعت فولاد

اهمیت صنعت فولاد در اقتصاد کشورها تا حدی است که بانک جهانی نسبت ۰/۸۵ درصد رشد اقتصادی به ازای یک درصد افزایش مصرف فولاد در جهان را به عنوان یک نسبت طلایی تثبیت شده تا سال ۲۰۵۰ اعلام کرده است (گلکاران مقدم، ۱۳۹۰). این رابطه را می‌توان بر اساس میزان سرانه تقاضای فولاد نیز توصیف نمود (Askerov, 2012). بر این اساس می‌توان میزان رشد مصرف فولاد کشورها را به عنوان مبنای رشد توسعه اقتصادی آن‌ها مورد سنجش قرار داد (Han, 2012). اگر سرانه مصرف فولاد در کشورهای در حال توسعه یا اقتصادهای نوظهور نظیر چین و ترکیه را در نظر بگیریم، خواهیم دید که رشد سرانه مصرف در این کشورها مطابق با رشد اقتصادی آن‌ها بوده است.

به دلیل اهمیت بسیار بالای تولید فلزات اساسی و از جمله فولاد، کشورهای صنعتی جهان هر کدام به دنبال جایگاه ویژه‌ای در تولید این محصول هستند. تولید فولاد خام در کشور از سال ۱۳۵۰ برای اولین بار توسط گروه ملی صنعتی فولاد در ایران آغاز شد. به این ترتیب در سال ۱۳۵۱ ذوب آهن اصفهان، سال ۱۳۶۸ فولاد خوزستان، سال ۱۳۷۰ فولاد مبارکه، سال ۱۳۷۸ فولاد آلیاژی و در سال ۱۳۸۰ فولاد خراسان شروع به بهره برداری نمودند. پس از گذشت چهار دهه ظرفیت فولاد خام از ۶۰۰ هزار تن در سال ۱۳۵۱ به حدود ۱۶ میلیون تن در سال ۱۳۹۳ رسید.

صنعت فولاد ایران از اهمیت بسیار زیادی از دو منظر برخوردار است: نخست پایه صنعتی شدن و لازمه حرکت در مسیر ارتقای زیرساخت‌های کشور است و دوم زمینه ساز ایجاد اشتغال پایدار در کشور. (پروان، ۱۳۹۰) از این رو همواره بخشی از برنامه‌ریزی و حرکت در جهت توسعه کشور بر پایه فولاد دیده شده است. نگاهی به برنامه‌های ۵ ساله توسعه، اهمیت و جایگاه صنعت فولاد در کشور را به خوبی نمایان می‌کند (فاطمی امین، ۱۳۹۲).

با توجه به رشد سرانه مصرف فولاد در کشور از یک طرف و مزیت‌های نسبی ایران در صنعت فولاد از طرف دیگر ضرورت افزایش تولید فولاد در ایران را بیش از پیش پررنگ کرده است. در

راستای برنامه چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، تولید سالانه ۵۵ میلیون تن فولاد در سال ۱۴۰۴ پیش‌بینی شده است که با توجه به ذخایر عظیم معدنی که حدود ۵ میلیارد تن ذخیره اکتشافی و بیش از ۲/۵ میلیارد تن ذخیره قطعی است در مقایسه با فولادسازان بزرگ مانند چین که عمده سنگ معدن مصرفی را وارد می‌کند و نیز وجود ذخایر عظیم انرژی به خصوص گاز و نیز تکنولوژی ساخت، دسترسی به ۵۵ میلیون تن دور از انتظار نخواهد بود. هر چند که با مقایسه مدت ده ساله طی شده از زمان تدوین سند چشم‌انداز، و میزان افزایش ظرفیت تولید فولاد در این مدت که بسیار کمتر از میزان پیش‌بینی شده است، رسیدن به ظرفیت تولید تعیین شده، در افق ۱۴۰۴ ه. ش. بسیار دور از ذهن است.

با توجه به اهمیت صنعت فولاد و برنامه‌های افزایش تولید آن در کشور فروآلیاژها به عنوان یکی از مهم‌ترین مواد اولیه تولید فولاد اهمیت بالایی خواهند داشت. از این‌رو، برنامه‌ریزی دقیق برای حرکت به سوی خوداتکایی در حوزه تولید فولاد و دستیابی به اهداف این صنعت در افق ۱۴۰۴، نیازمند توجه ویژه به صنعت فروآلیاژ در ایران می‌باشد. از سوی دیگر صنعت فروآلیاژ تامین‌کننده بخشی اساسی از مواد اولیه صناعی همچون ریخته‌گری، خودروسازی، هوافضا، کشتی‌سازی، صنایع نظامی نیز به شمار می‌روند. این مهم در کنار مزیت نسبی تولید برخی از انواع فروآلیاژها به جهت بهره‌مندی کشور از منابع انسانی متخصص، منابع معدنی و انرژی لازم، این اهمیت را دو چندان می‌کند (داریانی، ۱۳۹۳).

با راه اندازی اولین کارخانه تولید فولاد کشور (ذوب آهن اصفهان) در سال ۱۳۵۱، واردات فروآلیاژها نیز آغاز شد و تأمین کل نیاز به این کالا از کشورهای خارجی با رشد کمی و کیفی صنایع فولاد، تا سال ۱۳۷۳ ادامه داشت. از آن پس کارخانجات مختلفی در زمینه تولید فروآلیاژ در ایران راه اندازی شد.

مطالعات تطبیقی جهانی نشان داد که بزرگترین تولیدکنندگان فروآلیاژ جهان به ترتیب عبارتند از چین با تولید حدود ۶۰ درصد، آفریقای جنوبی با تولید حدود ۱۰ درصد و هند با تولید حدود ۵ درصد کل فروآلیاژ جهان. مقایسه میزان تولید انواع فروآلیاژها در ایران با سایر کشورها نشان داد که در حال حاضر ایران حدود ۰/۳ درصد از کل تولید فروآلیاژ جهانی را به عهده دارد در حالی که تولید



فولاد کشور در حدود ۱٪ تولید فولاد جهان است، که این خود بیانگر ضعف نسبی صنعت فروآلیاژ موجود کشور است (World Steel Association, 2014). با توجه به افزایش کل تولید فولاد خام و فولاد ضد زنگ بدیهی است افزایش تقاضا به طور پیوسته برای فروآلیاژها به عنوان یک ماده اولیه اجتناب ناپذیر باشد.

### روش شناسی پژوهش:

بررسی محیط کسب و کار مساله‌ای پیچیده، چندلایه و وسیع است. به همین سبب پژوهش در مورد محیط کسب و کار نیازمند روش‌های پژوهشی است که بتوانند در چنین موقعیتی کارایی داشته و تبیین و توصیف مناسبی از محیط کسب و کار به دست دهند. به همین سبب روش‌شناسی‌های کیفی در پاسخ به این مساله به کار خواهند آمد (بازرگان، ۱۳۸۷).

بر اساس دلایل فوق و توجه به جنبه اکتشافی این تحقیق و همچنین نیاز این تحقیق به بررسی چند بعدی فضای کسب و کار صنعت فروآلیاژ ایران از دیدگاه فعالان این صنعت، از روش مصاحبه کیفی به عنوان یک روش تولید دانش (Given, 2008) استفاده شد. مصاحبه‌های انجام شده در این پژوهش مصاحبه‌های واقعه محور نیمه ساختارمند (Gillham, 2000) هستند. در استفاده از رویکرد مصاحبه در این پژوهش، از فرم‌های مصاحبه ساده‌ای که دربرگیرنده عنوان پژوهش، نام مصاحبه شونده، نام سازمان، سمت مصاحبه شونده، تاریخ و محل مصاحبه هستند، به عنوان راهنمای مصاحبه استفاده شده است. همچنین با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه به صورت کامل ضبط شده و فایل‌های صوتی آن‌ها برای پیاده‌سازی متن کامل مصاحبه و مراجعه‌های بعدی مورد استفاده قرار گرفته است.

روش تحلیل مورد استفاده در این پژوهش، استفاده از متدولوژی‌های مرسوم و متداول کدگذاری و مقوله بندی بوده است. بدین منظور پس از پیاده سازی متن مصاحبه‌ها بر اساس فایل صوتی ضبط شده، در گام نخست شواهد کلامی موجود شناسایی شدند، در مرحله بعدی با دسته بندی و ترکیب موارد مشابه، مولفه های مورد نظر ایجاد شده و نهایتاً در گام سوم کدگذاری بر اساس قرابت موضوعی بین چند مولفه، مقوله های نهایی تبیین شدند. برای درک بهتر این سه مرحله نمونه ای از این فرایند، در قالب جدول زیر تشریح شده است:

جدول ۲- نمونه‌ای از مراحل فرایند تحلیل داده‌های کیفی و کدگذاری

مقوله های نهایی	مولفه ها	شواهد کلامی	نمونه ای از متن مصاحبه‌ها
مشکلات ناشی از وجود انحصارهای متعدد در بخش‌های مختلف صنعت فرآلیاژها کشور	وجود انحصار در تولید محصولات نظیر فروسیسیوم و فرومگنز  مشکلات ناشی از سو استفاده از قدرت انحصار	مونوپل شرکت ملی مس  تعیین قیمت و میزان عرضه بر اساس انحصار  وجود انحصار تولید فرومگنز کشور  تصمیم گیری بر اساس سود شخصی انحصارگر  انحصار در تولید فروسیسیوم	... بزرگترین مشکل کارخانجات فرمولیبدن، مونوپل شرکت ملی مس است، که تنها عرضه کننده مواد اولیه تولید فرمولیبدن، یعنی سولفور مولیبدن است. این شرکت هر وقت دوست دارد به ما جنس می فروشد و هر وقت نخواهد تا چندین ماه خبری از عرضه سولفور مولیبدن نیست. هر زمان هم با هر قیمتی که بخواهد عرضه می کند. گاهی ما چند ماه مجبوریم تعطیل کنیم چون ماده اولیه نداریم... ... همه تولید فرومگنز کشور دست یک نفر است. او برای بیشتر کردن سود شخصی خود هر کاری می کند، حتی لابی گری برای تغییر تعرفه واردات یا جلوگیری از واردات سایرین... ... وقتی فروسیسیوم ایران را یک خاندان اُدر دو کارخانه اُ تولید می کند و رقیب جدی‌ای ندارد، طبیعی است که با هر کیفیتی که بخواهد جنس می دهد...

در این پژوهش برای انتخاب نمونه آماری سعی شد تا از میان خبرگان، مدیران و کارشناسان آگاه صنعت فرآلیاژ ایران، آگاهان کلیدی به صورت هدف مند انتخاب شوند. به بیانی دیگر نوع نمونه-گیری در این پژوهش، نمونه گیری هدفمند بوده است، بدین معنا که انتخاب نمونه بر اساس اهداف

مورد نظر تحقیق و برای کسب دانش و اطلاعات موثق صورت گرفت (Gillham, 2000). برای این منظور تلاش شد تا بر اساس شاخص‌های ذکر شده، افراد مطلع به گونه ای انتخاب شوند که بیشترین و بهترین اطلاعات مورد نیاز، از طریق آنان به دست آید. در ضمن از بین افراد بالقوه برای مصاحبه، اقدام به انتخاب کسانی شد که بتوانند در فرایند گردآوری، خزانه داده‌های مورد نیاز را غنی‌تر نمایند، و امکان یافتن پاسخ‌های مناسب‌تر به مساله تحقیق فراهم آید.

بنابراین بر اساس شاخص‌های فوق نمونه آماری به شرح جدول زیر انتخاب شدند:

جدول ۳- مشخصات مصاحبه‌شوندگان

تعداد نفرات هر گروه	گروه‌های انتخاب شده
۵	کارآفرینان کلیدی که نقشی اساسی در انتقال و بومی سازی تکنولوژی تولید فرآلیاژ در ایران داشته اند
۷	تولیدکنندگان اصلی فرآلیاژ در کشور
۴	مدیران دولتی، سیاست گذاران و هدایت کنندگان اصلی صنعت فرآلیاژ ایران
۴	کارشناسان و تکنسین های کلیدی فعال در صنعت فرآلیاژ ایران
۳	محققان و پژوهشگران فعال در صنعت فرآلیاژ ایران

برای تعیین تعداد مورد نیاز مصاحبه‌ها، مانند بسیاری دیگر از پژوهش‌های کیفی، پس از آغاز نمونه‌گیری، گسترش حجم نمونه تا زمان رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافت، یعنی مرحله‌ای که پس از آن اضافه شدن نمونه دیگری، معنای جدیدی را به همراه نداشت و اطمینان حاصل شد که اطلاعات بدست آمده، به طور کامل حوزه مورد مطالعه را پوشش داده است (بازرگان، ۱۳۸۷). به اعتقاد گلپز و اشتراوس اشباع نظری مقوله‌های مورد بررسی، مبنای داوری درباره زمان توقف نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله‌ها است (بازرگان، ۱۳۸۷). در نهایت با تعداد ۲۳ نفر از مدیران، مالکان و خبرگان این صنعت، مصاحبه‌های نیمه ساختارمند صورت گرفت و نظرات ایشان راجع به سوالات تحقیق استخراج شد.

در این پژوهش، برای اطمینان از روایی پژوهش، در مرحله گردآوری داده‌ها تلاش شد تا اطلاعات اخذ شده از مصاحبه‌ها، از طریق منابع مختلف دیگر مانند مشاهده و بررسی مستندات صحت‌سنجی و تکمیل شوند (عباس زادگان و فتوت، ۱۳۸۴). علاوه بر آن در مرحله نهایی سازی نتایج با استفاده از نظر خبرگان و آگاهان کلیدی خروجی تحقیق از نظر روایی مورد بررسی قرار گرفت (Swanson, 2005). برای اطمینان از روایی بیرونی<sup>۱</sup> تحقیق نیز تلاش شد تا در مرحله طراحی تحقیق و همچنین مراحل مختلف دیگر، تا حد امکان از تئوری‌های موجود به صورت پشتیبان استفاده شود (Swanson, 2005).

از سویی دیگر، برای اطمینان از این موضوع که در صورت تکرار تحقیق نتایج مشابه به دست خواهد آمد (پایایی) علاوه بر تلاش برای در نظر داشتن تئوری‌ها و حساسیت نظری بالا، با استفاده از نظرات اساتید و همچنین خبرگانی که در طول تحقیق با آنها هم‌فکری انجام گرفت تلاش شد تا احتمال پایایی<sup>۲</sup> پایین تحقیق به حداقل کاهش یابد. علاوه بر این موارد تلاش برای ادامه جمع‌آوری داده‌ها تا اشباع کامل نظری نیز از سایر مواردی بوده‌است که به وسیله آن تلاش شد تا پایایی تحقیق افزایش یابد (Swanson, 2005).

### یافته‌ها:

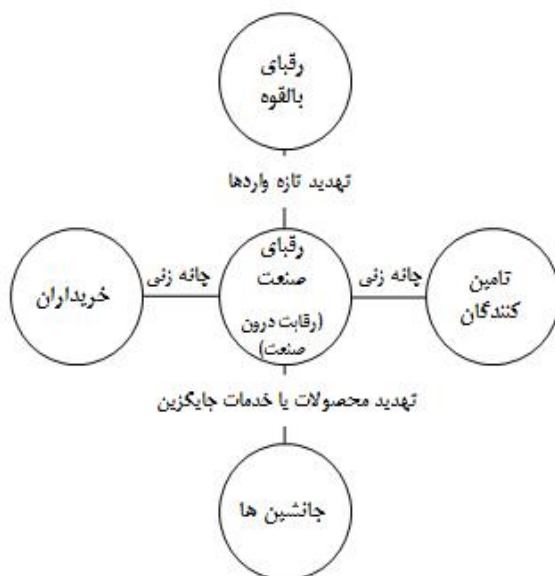
در این تحقیق اطلاعات گردآوری شده از روش‌هایی نظیر مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی میدانی و مصاحبه‌های واقعه محور در قالب دو مدل متداول پنج نیروی رقابتی پورتر و مدل PESTEL به منظور تحلیل محیط نزدیک و دور صنعت فروآلیاژ ایران به کار رفته‌اند. در ادامه به صورت جداگانه به تحلیل این دو حوزه بر مبنای داده‌های گردآوری شده پرداخته می‌شود.

### تحلیل محیط نزدیک:

بر اساس مدل پنج نیروی رقابت پورتر (Porter, 1980)، محیط داخلی هر صنعت را می‌توان بر اساس شکل زیر توصیف کرد.

<sup>1</sup> External Validity

<sup>2</sup> Reliability



شکل ۱- پنج نیروی رقابت در محیط صنعت

هسته مرکزی شکل‌گیری رقابت در هر صنعت بر اساس روابط میان فعالان آن صنعت (رقبا) شکل می‌گیرد. رقابت این فعالان برای کسب سهم بازار بیشتر سبب تغییر کیفیت و کمیت محصولات و خدمات تولید شده در صنعت می‌شود. چهار نیروی چانه‌زنی مشتریان، چانه‌زنی تامین‌کنندگان، تهدید تازه‌واردین و تهدید کالاهای جانشین عواملی هستند که بر نوع رقابت بین این فعالان تاثیر می‌گذارند.

در صنعت فروآلیاژ به واسطه محدود بودن تعداد رقبا و به نوعی انحصاری بودن سمت عرضه، فرایندهای رقابت به خوبی شکل نیافته و قدرت ایجاد انحصار را برای این تعداد محدود، چه به عنوان خریدار مواد اولیه تولید و چه به عنوان عرضه کنندگان محصولات فروآلیاژ ایجاد نموده است. از سویی دیگر عمده مشتری محصولات این صنعت تولیدکنندگان فولاد می‌باشند. صنعت فولاد در ایران را می‌توان صنعتی دولتی دانست. دولتی بودن صنعت فولاد بدان معناست که دولت به

عنوان تنها خریدار محصولات فروآلیاژ قدرت چانه‌زنی بالایی داشته و با ایجاد انحصار سمت تقاضا می‌تواند معادلات رقابت درون صنعت را تحت تاثیر جدی قرار دهد.

وضعیت در مورد قدرت چانه‌زنی در حوزه مواد اولیه که همان معادن هستند، کمی بهتر است، چرا که در کنار دولت به عنوان مهم‌ترین تامین‌کننده مواد اولیه معدنی مورد نیاز صنعت، بخش خصوصی نیز با داشتن تعدادی معدن می‌تواند قدرت چانه‌زنی دولت به عنوان تامین‌کننده را تا حدی کاهش دهند.

البته در مورد قدرت چانه‌زنی، چه در سمت مشتری و چه در سمت تامین‌کننده با تنظیم مقررات صادرات و واردات می‌توان وضعیت رقابت درون صنعت را تا حد زیادی بهبود بخشید، چرا که با سهولت صادرات، قدرت چانه‌زنی مشتریان صنعت، و با سهولت واردات مواد اولیه معدنی قدرت چانه‌زنی خریداران کاهش می‌یابد. اما نکته آنجاست که مهم‌ترین عامل ایجاد انحصار چه در سمت تامین‌کنندگان مواد اولیه و چه خریداران محصول، دولت است، و مقررات صادرات و واردات نیز از طریق دولت تنظیم می‌شود، پس نمی‌توان انتظار داشت که تنظیم مقررات صادرات و واردات منجر به کاهش توان چانه‌زنی دولت در این هر دو بخش شود.

نیروی ناشی از تهدید تازه واردین نیز تاثیر به‌سزایی در شکل‌گیری پارامترهای رقابت درون صنعت دارد. شدت تهدید تازه واردین، به موانع ورود و عکس‌العمل رقبای موجود نسبت به نوآمدگان بستگی دارد. اگر موانع ورود زیاد باشد و نوآمدگان عکس‌العمل شدیدی از سوی رقبای تثبیت شده را پیش‌بینی کنند، مسلماً تعداد زیادی علاقه به ورود این صنعت نخواهند داشت. موانع ورود به یک صنعت را می‌توان در شش منشأ صرفه به مقیاس، تمایز محصول، سرمایه اولیه بالا، رهبری هزینه، دسترسی به کانال‌های توزیع، خط مشی دولت جستجو کرد.

موانع ورود تازه واردین صنعت فروآلیاژ ایران در شرایط کنونی در دو بعد قابل بررسی است. بعد اول ناشی از ویژگی‌های طبیعی صنعت مانند نیاز به سرمایه اولیه بالا و یا ورود تکنولوژی‌های پیچیده است و بعد دوم ناشی از موانعی که از دیدگاه فعالان اصلی این صنعت به واسطه عملکردهای ناشی از قدرت انحصار و یا دسترسی به رانت ایجاد شده‌است. در صنعت فروآلیاژ ایران

رانت به وجود آمده به واسطه انحصار سمت عرضه و همچنین انحصار سمت تقاضا به شدت به عنوان یکی از موانع جدی ورود برای تازه واردین مطرح می‌باشد.

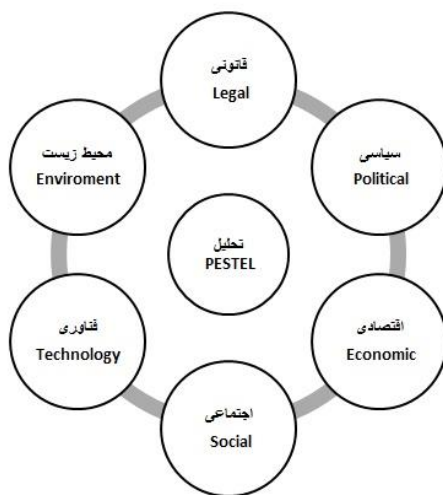
با توجه به عدم وجود چشم‌انداز تغییر بنیادین تکنولوژی‌های تولید فولاد به عنوان مهم‌ترین مصرف‌کننده تولیدات صنعت فرآلیاژ، در میان مدت، امکان به کارگیری جانشین‌هایی به جای فرآلیاژها متصور نیست، به این صورت تهدید کالاهای جانشین، نیرویی کلیدی به حساب نمی‌آید.

دولت در حوزه محیط نزدیک صنعت فرآلیاژ ایران می‌تواند تاثیر به‌سزایی داشته باشد. دولت می‌تواند ورود به صنعت را از طریق کنترل‌هایی چون لزوم اخذ پروانه و محدودیت دسترسی به مواد اولیه، محدود و حتی ممنوع نماید. به عنوان نمونه نظیر چنین مشکلی را در مورد عرضه ماده اولیه صنعت فرمولیبدن (سولفور مولیبدن) شاهد هستیم، که استخراج و عرضه آن تنها در اختیار یک منبع بوده و بر اساس سیاست‌های دولت، مجوز ورود به این حوزه وجود ندارد.

دولت همچنین می‌تواند در موانع ورود از طریق کنترل‌هایی مثل استانداردهای آلودگی هوا و آب و مقررات ایمنی نقش غیر مستقیمی ایفا کند.

### تحلیل محیط دور

در این بخش با استفاده از تحلیل PESTLE محیط پیرامونی صنعت فرآلیاژ کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این تحلیل یک ابزار استراتژیک مناسب برای شناخت «تصویر کلان» از محیطی است که صنعت فرآلیاژ در آن فعالیت می‌کند. این ابزار می‌تواند در راستای بهره‌برداری از فرصت‌ها و حداقل نمودن تهدیدهایی که این صنعت با آنها مواجه می‌شود مورد استفاده قرار گیرد.



شکل ۲- آنالیز PESTEL

این الگو بر مبنای تحلیل عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیک، قانونی و زیست محیطی استوار شده است و چارچوبی از عوامل کلان را که در ارزیابی محیطی به کار می‌روند به تصویر می‌کشد و چشم‌اندازی مشخص از عوامل کلان محیطی که صنعت فروآلیاژ باید مد نظر قرار دهد را ارائه می‌نماید.

### عوامل سیاسی

حوزه سیاسی از طریق قانون‌گذاری اثری عظیم بر کسب و کار دارد که شامل وضع قانون توسط دولت و مسائل قانونی است که باید به اجرا گذاشته شود. در حوزه سیاست داخلی، بر اساس بررسی‌های انجام شده محیط سیاسی کشور، طی چند سال گذشته محیطی بی‌ثبات، متلاطم و سرشار از تغییرات لحظه‌ای و غیر قابل پیش‌بینی بوده است. روابط بین جریان‌های مختلف سیاسی، و میزان قدرت و نفوذ این جریان‌ها بارها دست‌خوش تغییر شده و این تغییرات اثرات نامساعد و رادیکالی را در حوزه اقتصادی بر جای نهاده‌اند.

و اما در خصوص شرایط بین‌المللی نیز باید گفت که مسائلی چون وجود تحریم‌های خارجی، محدودیت‌های اعمال شده بر صادرات نفت و نیز محدودیت‌های انتقال پول و سوئیفت مزید بر علت



شده و بر شدت مشکلات افزوده است. البته با روی کار آمدن دولت یازدهم تغییرات نسبتاً زیادی در حوزه سیاسی کشور چه در داخل و چه در خارج کشور ایجاد شده و هنوز ثبات سیاسی لازم فراهم نشده است. هر چند که با اصلاح سیاست‌های خارجی کشور که موجب توسعه روابط سیاسی ایران با کشورهای دیگر شده است و نیز با موفقیت‌های ایجاد شده در مذاکرات اخیر و عملیاتی شدن توافق وین، انتظار می‌رود که شرایط تا حدودی بهتر شده و شرایط مساعدتر در آینده نزدیک فراهم شود.

با این حال سیاست‌های مالیاتی دولت و تصمیم افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی و حامل‌های انرژی تأثیرات زیادی بر هزینه تولید فرآورده‌ها خواهد داشت و با توجه به این که قیمت فروش محصولات معمولاً بر اساس قیمت‌های جهانی تعیین می‌شوند، این افزایش قیمت تمام شده، فشار زیادی بر تولیدکنندگان این صنعت وارد خواهد نمود.

### عوامل اقتصادی:

کشور از نظر شرایط اقتصادی در یک دهه اخیر شرایط سختی را پشت سر گذاشته است. نرخ تورم بالا، رکود اقتصادی همراه با رشد اقتصادی منفی، نرخ بی‌کاری بالا، امنیت شغلی پایین و تغییرات افسار گسیخته نرخ ارز و کاهش شدید ارزش پول ملی در چند سال گذشته، امنیت سرمایه‌گذاری را تا حد زیادی کاهش داده و فضای اقتصادی را ناآرام گردانده است. البته طی دو سال گذشته متغیرهای کلان اقتصاد به ثبات نسبی رسیده‌اند و نرخ رشد تورم تا حدودی مهار شده است. تداوم این وضعیت می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی کمک نماید. شاخص‌های کلان اقتصادی نشان‌دهنده توقف رشد اقتصادی منفی و مثبت شدن این رقم در سال جاری هستند. علاوه بر این رشد مستمر در فروش طی یک سال گذشته در اقتصاد کشور ملاحظه شده است. نرخ ارز نیز مدتی است که به ثبات رسیده و این عوامل احتمالاً بر رشد صنعت فرآورده‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش تأثیرگذار خواهند بود.

### عوامل اجتماعی:

با توجه به این که صنعت فروآلیاژ به نوعی صنعتی میانی محسوب شده و محصولات آن به عنوان محصولی واسطه و مواد اولیه سایر صنایع (صنعت فولاد) به شمار می‌رود و نه محصول نهایی مورد استفاده مردم جامعه، لذا تغییرات اجتماعی و سبک زندگی و جمعیت شناختی مردم تاثیرات زیادی، حداقل به صورت مستقیم، بر این صنعت نخواهد داشت.

### عوامل تکنولوژیک:

پیشرفت سریع در تکنولوژی بر صنایع کشور و سراسر دنیا تاثیرات فراوانی داشته است. تغییرات سریع در تکنولوژی نیازی را جهت واکنش سریع در راستای حفظ قدرت رقابتی از طریق مجهز شدن به فناوری جدید رقبا ایجاد نموده است.

توسعه فناوری در صنعت فرو آلیاژ نیز از این امر مستثنی نبوده و از دو جهت اهمیت دارد. با توجه به انرژی بر بودن این صنعت، از سویی حرکت به سمت استفاده از فناوری‌های به‌روزتر و نیز توسعه فناوری‌های جدید می‌تواند به افزایش بهره‌وری تولید و کاهش مصرف انرژی منجر شود و از سویی دیگر ضایعات و آلاینده‌گی زیست بومی این صنعت را می‌تواند کاهش دهد.

### عوامل قانونی:

عوامل قانونی از جمله اصلی‌ترین عوامل تاثیرگذار بر صنعت هستند. بی‌ثباتی و عدم شفافیت قوانین و مقررات مرتبط با صنعت، بوروکراسی بیش از حد و دست و پاگیر اداری، تغییر تعرفه‌های گمرکی در واردات و صادرات، تصمیم‌گیری‌های متناقض و انتخاب برنامه‌های غیر منسجم و بعضاً متضاد در سیستم دولتی، افزایش قیمت حامل‌های انرژی در صورت اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها، عدم اختصاص یارانه تولید به تولیدکنندگان و نامتناسب بودن تعرفه واردات محصولات فروآلیاژ با تعرفه واردات مواد اولیه مورد نیاز برای تولید آن (به گونه‌ای که امکان رقابت تولیدکنندگان داخلی با تاجران و واردکنندگان را سلب می‌نماید) از جمله مواردی هستند که این صنعت را به شدت تهدید می‌نمایند.

## عوامل زیست محیطی:

یکی از مشکلات اساسی صنعت فرآوریاز تولید زیاد آلاینده‌های زیست محیطی است. صنعت فرآوریاز ایران در وضع مطلوب باید بر اساس توسعه فناوری و بهره‌وری تولید، میزان آلودگی تولید را تا حد ممکن کاهش دهد. مواد آلاینده این صنعت عمدتاً به شکل گاز بوده و با بهره‌گیری از تجهیزات غبارگیر مناسب تا حد مطلوبی قابل مهار خواهند بود. البته می‌توان با استفاده از تجهیزات به روزتر و ارزش نهادن به فرایندهای تحقیق و توسعه در این عرصه به پیشرفت‌های بیشتری دست یافت و میزان آلودگی‌ها را از این حد هم پایین‌تر آورد.

## جمع‌بندی یافته‌ها:

با توجه به مطالب فوق، ماحصل بررسی محیط نزدیک و دور صنعت فرآوریاز ایران از نگاه صاحب‌نظران و خبرگان صنعت فرآوریاز را می‌توان در قالب دو دسته موضوعی زیر جمع‌بندی نمود:

- مسایل، مشکلات و موانع توسعه صنعت فرآوریاز ایران
- راه‌کارهای پیشنهادی برای رفع موانع و مشکلات
- مسایل و مشکلات محیط کسب و کار صنعت فرآوریاز ایران

مسایل و مشکلات محیط کسب و کار صنعت فرآوریاز و موانع توسعه این صنعت، در نگاه خبرگان این بخش را می‌توان در دو سطح مختلف بررسی کرد. سطح اول مشکلاتی هستند که به صورت عام کل محیط کسب و کار کشور را در بر گرفته و کم و بیش در صنایع مختلف، مشابه هستند. حل این معضلات نیازمند عزمی راسخ در بالاترین سطوح مدیریت دولتی کشور و اختصاص منابع مناسب و تلاشی سخت برای سالیان متمادی جهت اصلاح و بهبود محیط کسب و کار نامناسب موجود، می‌باشد.

به عنوان مثال از این دسته می‌توان به مشکلات تامین مالی اشاره کرد. اجرای طرح‌های فرآوریاز در مقیاس حداقلی، دست کم به ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد ریال سرمایه اولیه نیاز دارد، که تامین چنین سرمایه‌ای در شرایط فعلی از سیستم بانکی کشور کاری است بس دشوار. در ادامه مهم‌ترین مشکلات در دو سطح خرد و کلان ارایه خواهد شد.

از جمله‌ی مهم‌ترین مشکلات و موانع عام محیط کسب و کار کشور (سطح کلان)، از نگاه خبرگان صنعت فروآلیاژ عبارتند از:

- وجود قوانین و مقررات پیچیده و دست و پا گیر؛
- مشکلات بانکی و ناتوانی در انتقال ارز در سطح بین‌المللی؛
- بی‌ثباتی متغیرهای اقتصاد کلان نظیر: نرخ ارز، نرخ بهره و تورم؛
- ناطمینانی در سیاست‌ها، به وجود آمده در اثر بی‌ثباتی و تغییر مداوم سیاست‌ها؛
- بی‌ثباتی و عدم شفافیت قوانین و مقررات مرتبط با صنعت؛
- بوروکراسی بیش از حد و دست و پاگیر؛
- فساد اقتصادی و سیاسی؛
- تصمیم‌گیری‌های متناقض و انتخاب برنامه‌های غیرمنسجم و بعضاً متضاد در سیستم دولتی؛
- افزایش قیمت حامل‌های انرژی در اثر اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها، و عدم اختصاص یارانه تولید به تولیدکنندگان؛
- نرخ بالای هزینه‌های تامین مالی (دشواری دستیابی به اعتبارات و نرخ بالای بهره وام‌های بانکی)؛

### کیفیت نازل خدمات عمومی.

با توجه به مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که ساختار فعلی بازوهای حاکمیتی، عامل حل نشدن مشکل محیط کسب و کار، اشتغال و تورم طی چند دهه اخیر است و به هیچ وجه با ساختار موجود و تنها با وضع قوانین و سیاست‌های جدید نمی‌توان به اهداف مورد نظر دست یافت. یکی از راه کارهای اساسی، تغییر ساختار دولت، کوچک سازی و قدرتمند سازی آن است. موارد فوق از جمله مواردی هستند که به اعتقاد ذی‌نفعان و آگاهان کلیدی این صنعت، طی چندین سال گذشته به شدت به صنعت فروآلیاژ کشور، همچون سایر صنایع تولیدی آسیب

رسانده‌اند. البته این روند در دولت یازدهم تا حدودی اصلاح شده و امید است که با برقراری ثبات در متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان، شاهد فضایی مناسب‌تر در آینده ای نزدیک باشیم.

دسته دوم مشکلات راه، موانع خاص محیط کسب و کار این صنعت تشکیل می‌دهند. یکی از اولین مشکلات خاص این صنعت، دشواری تامین برق مورد نیاز آن است. زمانی که از اختصاص انشعاب برق بیش از ۱۰ مگاوات سخن به میان می‌آید، تامین آن به سادگی میسر نخواهد بود. یکی دیگر از مشکلاتی که به بحث انرژی الکتریکی بر می‌گردد، قطع برق برنامه‌ریزی نشده است که به پروسه تولید لطمات جدی زده و گاهی در صورت طولانی شدن زمان بی‌برقی و سرد شدن کوره می‌تواند بسیار مخرب بوده و خسارات زیادی به بار آورد.

برخی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که در شرایط فعلی و با افزایش مشکل برق به مرور به سمتی پیش رفته‌ایم که اگر کسی بخواهد یک واحد بزرگ فروآلیاژ تاسیس کند، ناگزیر خواهد بود که نیروگاه اختصاصی خود را نیز در کنار کارخانه راه اندازی نماید.

- سایر مشکلات مربوط به این دسته (سطح خرد) به قرار زیرند:
- کمبود مواد اولیه مناسب برای بیشتر فروآلیاژها در داخل کشور؛
- مجهز نبودن معادن ایران به تجهیزات تغلیظ و کلسیناتور؛
- آلاینده‌گی بالای زیست محیطی این صنعت؛
- مشکلات ناشی از وجود انحصارهای متعدد در بخش‌های مختلف صنعت فروآلیاژها کشور؛
- ضعف سیستم گمرک کشور و امکان ورود کالایی خاص با نام و تعرفه گمرک کالای دیگر و در نتیجه استفاده از تعرفه های کمتر؛
- نامتناسب بودن تعرفه واردات محصولات فروآلیاژ با تعرفه واردات مواد اولیه مورد نیاز برای تولید آن، به گونه‌ای که امکان رقابت تولیدکنندگان داخلی با تاجران و واردکنندگان از بین می‌رود؛
- عدم تولید برخی مواد مصرفی و مورد نیاز این صنعت، همچون خمیر الکتروود و بلوک-های کربنی، مواد نسوز و... در داخل کشور؛

▪ نبود واحدهای تحقیق و توسعه فعال (R) و (D) در این بخش از صنعت.

در کنار این موارد باید به مقوله فساد اداری نیز توجه جدی داشت. بسیاری از تولیدکنندگان فروآلیاژ بر این باورند که مدیران بازرگانی و مسئولین خرید کارخانجات فولاد تمایل دارند تا به جای تامین فروآلیاژها از داخل کشور، اقدام به خرید خارجی نمایند، حتی اگر در یک سطح کیفیت مشابه، قیمت خرید مواد خارجی بالاتر از فروآلیاژهای داخلی باشد.

راه کارهای پیشنهادی برای رفع مشکلات و موانع

یکی دیگر از دستاوردهای این تحقیق در کنار شناسایی موانع و مشکلات محیطی، شناسایی برخی راه کارهای پیشنهادی برای رفع این مسایل از نگاه خبرگان و فعالان کلیدی این صنعت است. راهکارهای اساسی که در برگیرنده حداقل خواسته‌ها و نیازهای کارآفرینان و خبرگان صنعت فروآلیاژ است، به شرح زیر می‌باشند:

### در سطح کلان:

- اصلاح نظام تامین مالی برای تولیدکنندگان و صنعتگران؛
- باثبات سازی و قابل پیش‌بینی سازی متغیرهای اقتصاد کلان؛
- ایجاد تعاملات مناسب بین المللی؛
- با ثبات سازی و شفاف کردن قوانین و مقررات؛
- حذف قوانین و مقررات دست و پاگیر و زاید؛
- از میان بردن موازی کاری‌ها و قوانین متناقض؛
- تاکید قانونی بر حمایت از بخش تولید؛

### در سطح خرد:

- تلاش برای از بین بردن انحصار دولتی در صنایع بالادستی و پایین‌دستی این صنعت؛
- اصلاح مقررات صادرات و واردات محصولات فروآلیاژی؛
- از میان برداشتن فاصله بنگاه‌های فعال در بخش‌های مختلف این صنعت با فعالان دانشگاهی در رشته‌های مرتبط؛

- توجه بیشتر و سخت گیرانه‌تر نسبت به مسایل زیست محیطی این صنعت با هدف توسعه و کاربرد فناوری‌های نوین در این حوزه؛
- توسعه توان کارشناسان دولتی در بخش‌های مرتبط با صنعت فروآلیاژ برای درک بهتر معادلات و متغیرهای این صنعت؛
- حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه در این صنعت.

### بحث و نتیجه گیری:

بدون شک مساعد بودن محیط کسب و کار یک اقتصاد، زیربنایی کلیدی برای رشد و توسعه‌ی آن است. منظور از محیط کسب و کار، عوامل موثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی است که تغییر دادن آنها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه‌های اقتصادی است (میدری، احمد و قودجانی، ۱۳۸۷). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بهبود در محیط کسب و کار می‌تواند منجر به دستاورد-های بزرگی مانند مقابله با فقر، توسعه رقابت و همچنین جلوگیری از تنش‌های اجتماعی شود (World Bank, 2005). همچنین این نتایج مؤید آن است که محیط کسب و کار در حال بهبود، فعالیت‌های کارآفرینی را توسعه داده و عملکرد بنگاه را تقویت می‌بخشد (Agboli و Christian Ukaegbu, 2006). برخی دیگر از تحقیقات نشان می‌دهند که کشورهای با مقررات بهتر از رشد سریع‌تری برخوردارند (Ramalho, 2006 و Djankov, McLiesh, 2006). نتایج پژوهشی دیگر نشان می‌دهد که به طور متوسط، هر اصلاح در مقررات کسب و کار باعث افزایش 1.5 درصدی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود (Haidar, 2012).

اهمیت توجه به محیط کسب و کار، در مورد صنایع حساس و کلیدی همچون صنعت فولاد و صنایع مرتبط با آن دو چندان خواهد بود. با توجه به اهمیت صنعت فولاد و برنامه‌های افزایش تولید آن در کشور فروآلیاژها به عنوان یکی از مهم‌ترین مواد اولیه تولید فولاد اهمیت بالایی خواهند داشت. شناسایی نقاط قوت و نقاط ضعف محیط کسب و کار کمک خواهد کرد تا علاوه بر آگاهی بخشی به فعالان این صنعت برای طرح‌ریزی اقدامات متناسب به محیط، سیاست‌گذاران و متولیان

حاکمیتی فضای کسب و کار اقدامات موثرتری در راستای بهبود کلیدی‌ترین نقاط ضعف در این حوزه سامان دهند.

در این پژوهش سعی شده تا با استفاده از روش تحقیق کیفی در قالب مصاحبه‌های واقعه محور، بر اساس دو مدل متداول پنج نیروی رقابتی پورتر و مدل PESTEL به تحلیل محیط نزدیک و دور صنعت فروآلیاژ ایران پرداخته شود. نتایج این تحلیل‌ها آشکارکننده مسایل و مشکلات محیط کسب و کار این صنعت بوده است. مسایل و مشکلات شناسایی شده را می‌توان در دو سطح متفاوت طبقه بندی نمود. سطح اول مشکلاتی هستند که به صورت عام کل محیط کسب و کار کشور را در بر گرفته و کم و بیش در صنایع مختلف، مشابه هستند. دسته دوم مشکلات راه، موانع خاص محیط کسب و کار این صنعت تشکیل می‌دهند.

مهم‌ترین مسایل شناسایی شده در دسته اول عبارتند از: مشکلات تامین مالی، وجود قوانین و مقررات پیچیده و دست و پا گیر، مشکلات بانکی و ناتوانی در انتقال ارز در سطح بین‌المللی، بی-ثباتی متغیرهای اقتصاد کلان نظیر: نرخ ارز، نرخ بهره و تورم، ناطمینانی در سیاست‌ها، به وجود آمده در اثر بی‌ثباتی و تغییر مداوم سیاست‌ها، بی‌ثباتی و عدم شفافیت قوانین و مقررات مرتبط با صنعت، بوروکراسی بیش از حد و دست و پاگیر، فساد اقتصادی و سیاسی، تغییر غیرقابل پیش‌بینی تعرفه‌های گمرکی در واردات و صادرات، تصمیم‌گیری‌های متناقض و انتخاب برنامه‌های غیرمنسجم و بعضاً متضاد در سیستم دولتی، افزایش قیمت حامل‌های انرژی در اثر اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها، و عدم اختصاص یارانه تولید به تولیدکنندگان، نرخ بالای هزینه‌های تامین مالی (دشواری دستیابی به اعتبارات و نرخ بالای بهره وام‌های بانکی)، و کیفیت نازل خدمات عمومی.

مهم‌ترین مسایل و مشکلات خاص محیط کسب و کار این صنعت عبارتند از: دشواری تامین برق مورد نیاز آن، کمبود مواد اولیه مناسب برای بیشتر فروآلیاژها در داخل کشور، مجهز نبودن معادن ایران به تجهیزات تغلیظ و کلسیناتور، آلاینده‌گی بالای زیست محیطی این صنعت، وجود انحصار در تولید فروآلیاژها در داخل کشور، ضعف سیستم گمرک کشور و امکان ورود کالایی خاص با نام و تعرفه گمرک کالای دیگر و در نتیجه استفاده از تعرفه‌های کمتر، نامتناسب بودن تعرفه واردات



محصولات فرآوری‌ای با تعرفه واردات مواد اولیه مورد نیاز برای تولید آن، به گونه ای که امکان رقابت تولیدکنندگان داخلی با تاجران و واردکنندگان از بین می‌رود، عدم تولید برخی مواد مصرفی و مورد نیاز این صنعت، همچون خمیر الکتروود و بلوک‌های کربنی، مواد نسوز و... در داخل کشور، و نبود واحد های تحقیق و توسعه فعال (R) و (D) در این بخش از صنعت.

در نهایت راه کارهای حل این مشکلات، از نظر فعالان و خبرگان این صنعت شناسایی شدند که عبارتند از: تلاش برای از بین بردن انحصار دولتی در صنایع، اصلاح نظام تامین مالی برای تولیدکنندگان و صنعتگران، اصلاح مقررات صادرات و واردات، اثبات سازی اقتصاد کلان، ایجاد تعاملات مناسب بین المللی، از میان برداشتن فاصله صنعت و دانشگاه، با ثبات سازی و شفاف کردن قوانین و مقررات، حذف قوانین و مقررات دست و پاگیر و زاید، از میان بردن موازی کاریها و قوانین متناقض، تاکید قانونی بر حمایت از بخش تولید، و توجه بیشتر و سخت گیرانه تر نسبت به مسایل زیست محیطی.

### پیشنهاد های پژوهشی و کاربردی:

بر اساس یافته‌های این پژوهش، موارد زیر به عنوان پیشنهاد های پژوهشی و کاربردی قابل ارایه هستند:

در ابتدا پیشنهاد می‌شود که یافته‌های این پژوهش، در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری های کلان صنعت فرآوری‌ای کشور مورد استفاده قرار گیرد، تا با حد موانع و مشکلات پیش روی کارآفرینان و فعالان این صنعت، زمینه رشد و توسعه این صنعت فراهم آید.

از آن جایی که شناسایی معضلات و مسایل مبتلا به هر صنعت، پیش نیاز حرکت به سمت توسعه و شکوفایی آن صنعت است، پیشنهاد می‌شود نظیر چنین پژوهشی در سایر صنایع کلیدی کشور انجام شود.

با توجه به این که این تحقیق به روش کیفی و با حجم نمونه‌ی ۲۳ نفر به انجام رسیده است، پیشنهاد می‌شود که یافته‌های این تحقیق، کمی سازی شده و در حجم نمونه گسترده‌تری مورد آزمون قرار گیرد.



## منابع :

- بازرگان، ع. (۱۳۸۷). مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: دیدار.
- پروان، م. (۱۳۹۰، November 1), الزامات توسعه صنعت فولاد ایران. دنیای اقتصاد.
- تاری، ف. ا. و علوی منش، س. (۱۳۹۰). بهبود فضای کسب و کار در برنامه پنجم توسعه. مجلس و پژوهش، ۱۸(۶۷)، ۴۷-۸۹.
- خضری، م. (۱۳۸۹). دُورنمای محیط کسب و کار در لایحه برنامه پنجم توسعه. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳(۲)، ۸۹-۱۱۲.
- عباس زادگان، م. و فتوت، ا. (۱۳۸۴). کاربرد پایایی و روایی تحقیق. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- فاطمی امین، س. (۱۳۹۲). برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت. جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی.
- گلکاران مقدم، س. (۱۳۹۰). چگونگی تنظیم بازار فولاد ایران. بررسی های بازرگانی، (۵۱)، ۸۳-۹۷.
- مکیان، س. ا.، امامی مبینی، م.، عشرتی، س. و احمدی، ز. (۱۳۹۲). فضای کسب و کار، راهبرد رشد؛ مقایسه کشورهای اسلامی منطقه منا و سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی. پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۱(۷۷)، ۷۵-۸۴.
- ملایی داریانی، ع. (۱۳۹۳). تدوین استراتژی صنعت فروآلیاژ ایران. تهران.
- منوریان، ع.، ایوبی اردکان، م.، ایروانی، م. و زندی منش، م. (۱۳۹۲). طراحی مدل خط مشی‌گذاری به منظور بهبود محیط کسب و کار جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظریه داده بنیاد. مدیریت دولتی، ۵(۲)، ۱۲۵-۱۴۲.
- میدری، احمد، و قودجانی، ا. (۱۳۸۷). سنجش و بهبود محیط کسب و کار. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- Agboli, M., و Christian Ukaegbu, C. (2006). Business environment and entrepreneurial activity in Nigeria: implications for industrial development. *The Journal of Modern African Studies*, 44(01), 1. doi:10.1017/S0022278X05001394
- Askerov, E. (2012). Global economic outlook and steel demand trends. *World Steel Association*, (October 2012), 2–26.
- Brunner, K. (1985). *The Poverty of Nations*. *Cato Journal*, 5(1).
- Djankov, S., McLiesh, C., و Ramalho, R. M. (2006). Regulation and growth. *Economics Letters*, 92(3), 395–401. doi:10.1016/j.econlet.2006.03.021
- Gillham, B. (2000). *The research interview*. London: Continuum Intl Pub Group.
- Given, L. M. (Ed.). (2008). *The Sage encyclopedia of qualitative research methods* (Vol. 1,2). SAGE Publications Ltd.
- Haidar, J. I. (2012). The impact of business regulatory reforms on economic growth. *Journal of the Japanese and International Economies*, 26(3), 285–307. doi:10.1016/j.jjie.2012.05.004
- Han, N. H. (2012). Steel as the Backbone of the Modern Economy. In *LCA AND STEEL Seminar*. Beijing,.
- OECD. (2006). *Policy Framework For Investment*. Retrieved from [www.OECD.org](http://www.OECD.org)
- Osborn, D. (1992). *Reinventing Government: How the Entrepreneurial Spirit is Transforming the Public Sector*. MA: Addison- Wesley.

- Porter, M. E. (1980). *Competitive Strategy: Techniques for Analyzing Industries and Competitors*. New York: NY: Free Press.
- Stern, N. (2002). *A Strategy for Development*. Washington: World Bank.
- Stiglitz, J. E. (1999). *Whither Reform: Ten Years of the Transition*. In *Annual World Bank Conference on Development Economics*. Washington.
- Swanson, R. A. (2005). *Research in organizations: Foundations and methods of inquiry*. Berrett-Koehler Publishers.
- World Bank. (2005). *The World Bank Annual Report 2005*.
- World Steel Association. (2014). *World Steel In Figures 2013*.